Archive of SID

بررسی جلوه‌های زنانه در رمان عامه‌پسند با تکیه بر فمینیسم
(با تأکید بر آثار برگزیده‌ی فهیمه رحیمی، نسرین ثامنی و فتّانه حاج سیّد جوادی)

نسرین فلّاح[۱*]، آیدا رضوانی [۲]

تاریخ دریافت:۹۶/۱۱/۲۱ صص۲۱۴-۱۸۷ تاریخ پذیرش:۹۸/۰۵/۲۰

چکیده

در رمان عامه‌پسند ایرانی، زنان نقش مؤثری به عنوان نویسنده برعهده‌دارند و با خلق شخصیّت-های زنانه و شرح زندگی آنان، جلوه‌های زندگی زن ایرانی را منعکس‌می‌کنند. نقد زنانه با دو گرایش عمده به تحلیل نقش زن با توجه به جلوه‌های حضور زنان در اثر و نویسنده‌ی خلّاق آن می‌پردازد. در گرایش نخست با تأکید بر متن، جایگاه و نقش زنان بررسی می‌شود و خوانش زنانه‌ی متن مهم است. در گرایش دوم خلاقیّت نویسنده‌ی زن و زبان زنانه ارزیابی می‌شود. بررسی جلوه‌های زنانه در آثار نویسندگان زن علاوه بر این‌که دیدگاه خاصّ نویسنده را نشان‌می‌دهد، جایگاه زنان را در جامعه‌ی معاصر منعکس می‌کند. این مقاله به شیوه‌ای تحلیلی- توصیفی با انتخاب آثار برجسته‌ی نویسندگان متعدّدی همچون فهیمه رحیمی، نسرین ثامنی و فتّانه حاج سیّد جوادی، آن‌ها را از دیدگاه جلوه‌های زنانه تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جلوه‌های زنانه، در دو سطح فرم و محتوا نقش زنان را در این آثار مشخّص می‌کند و این نقش با توجّه به دیدگاه فمینیستی در دو بخش جنسی و جنسیتی طبقه‌بندی می‌شود. پس از تعیین نقش زنان در این آثار به مقایسه‌ی آن با تفکّرات و اندیشه‌های فمینیستی می‌پردازد و تفاوت نقش زنان را در این آثار مشخّص‌می‌کند. نقش و جایگاه زنان در آثار پیشگفته، با تفاوتی عمده نوعی خودآگاهی زنانه را نشان‌می‌دهد که اغلب بر اطّلاع از جایگاه متعارف زنان و انعکاس آن استوار است و هیچ تمایلی به سمت دیدگاه‌های افراطی فمینیستی مشاهده نمی‌شود.

کلمات کلیدی: رمان عامه‌پسند، نقد زنانه، جلوه‌های زنانه، فهیمه رحیمی، نسرین ثامنی و فتّانه حاج سیّد جوادی.

[۱] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان
[۲] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
*نویسندهٔ مسئول: N.Fallah@mail.uk.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدّمه

اصطلاح رمان عامه‌پسند اغلب درباره‌ی رمان‌های پر مخاطب به‌کار می‌رود و در گفتار منتقدین به رمان‌هایی با ساختار بیرونی و درونی ضعیف و در برابر اصطلاح رمان جدّی یا روشنفکری استفاده می‌شود. تعریف میرصادقی از رمان بازاری و پاورقی از برخی جنبه‌ها با اصطلاح مورد نظر ما مطابقت دارد: «رمانی که به بخش ادبی روزنامه‌ها گفته می‌شود و در گذشته معمولاً پایین صفحه‌ی اوّل روزنامه را به خود اختصاص‌می‌داد. ...اساس این رمان‌ها بر حادثه‌پردازی و ایجاد کشش کاذب است و معمولاً ماجرایی عشقی، چاشنی حوادث آن است. گاهی رمان پاورقی را هم‌ردیف رمان بازاری می‌آورند ». (Mirsadeghi, 1997)

میر عابدینی در یک تقسیم بندی کلی، رمان را به دو نوع عامه‌پسند و متعالی تقسیم‌می‌کند (Mirabedini, 1998). اشتمال بر موضوعات عاشقانه، آموزش نامستقیم اخلاقی، توجّه به نیازهای ابتدایی زندگی و مسائل خانوادگی به جای مسائل عمومی و اجتماعی، طرح مسائل مربوط به زنان، جوانان و اقشار نوپدید مانند دانشجویان و سربازان، شکستن هنجارهای خانوادگی و توجّه به ابعاد روان‌شناسی در مناسبات بین فردی از ویژگی‌های محتوایی رمان عامه‌پسند است (Ali Ahmadi, 2007). فقدان خلّاقیّت، پیرنگ ضعیف، پایان خوش، عنوان‌های عاشقانه و محرّک، فضاسازی روشن و مکرّر، برش‌های بلند زمانی با توجّه به حوادث روزانه، راوی اوّل شخص، جنسیّت زنانه‌ی نویسنده و مخاطبان، از دیگر ویژگی‌های آثار عامه‌پسند است (Ali Ahmadi, 2007). جنسیّت زنانه‌ی نویسندگان آثار عامه‌پسند، زمینه را برای تحلیل فمینیستی این آثار مهیّا می‌کند. نسرین ثامنی، فهیمه رحیمی و فتانه حاج سیّد جوادی از نخستین و نامدارترین نویسندگان زن رمان‌های عامه‌پسند به‌شمار می‌روند.

در پژوهش پیش رو، رمان‌های بانوی جنگل و تاوان عشق از فهیمه رحیمی و گلی در شوره زار از نسرین ثامنی که در زمره‌ی پرفروش‌ترین آثار داستانی چهارده سال اخیر ایران هستند، بررسی می‌شوند. هم‌چنین دو رمان دنیای پرامید از نسرین ثامنی و باور آفتاب فهیمه رحیمی که از لحاظ محتوایی با سایر آثار تفاوت نسبی دارند و رمان مطرح فتّانه حاج سیّد جوادی با عنوان بامداد خمار برگزیده شده‌اند. خلاصه‌ی این رمان‌ها در پی‌نوشت ذکرشده است. در این پژوهش تلاش بر این است که ضمن بررسی نقش زنان در رمان‌های عامه‌پسند، تفاوت نگاه زنان نویسنده با یکدیگر نیز

www.SID.ir

Archive of SID

تحلیل‌گردد. هم‌چنین با تکیه بر نظریه‌های نقد زنانه که از جمله مباحث مهم قرن معاصر محسوب می‌شود، نقش زنان در آثار پیشگفته مقایسه شود.

۱–تعریف فمینیسم

فمینیسم که به جنبش زنان نیز معروف است، در اصل واژه‌ای فرانسوی است که از ریشه‌ی لاتین (Femina) به معنی زن گرفته‌شده است (Rezvani, 2005). این جنبش فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است و سه موج عمده را در برمی‌گیرد: برخی از محققان شروع موج اوّل جنبش زنان را که به جنبش حق رأی معروف شد، از سال 1792 در کشور فرانسه می‌دانند و اوج گسترش آن را نیمه‌ی قرن نوزدهم می‌دانند. در حوزه‌ی کلی طرح مسائل زنان، تأکید این موج بر برابری زنان با مردان در زمینه‌ی حقوق اجتماعی و سیاسی بود. دهه‌ی 1960 میلادی آغاز خیزش موج دوّم جنبش زنان بود. به رغم تفاوت‌های آشکار گرایش‌های لیبرال و رادیکال که از برابری جویی تا برتری طلبی مفرط زنان را در بر می‌گرفت، آن‌ها توانستند به نقاط مشترکی دست یابند. از نیمه‌ی دهه‌ی 1970 تا 1990 زمینه‌ی ظهور موج سوّم شکل‌گرفت که مهم‌ترین ویژگی آن تأکید بر تفاوت-های زنان و نظریات مختلف جنبش زنان بود. (Zimran, 2001, also Friedman, 2002) موج سوّم در پی شکست مباحث افراطی، طرفدار نوعی سیاست انعطاف پذیرتر در جهت برابری زن و مرد بوده‌است. شاخه‌ای از جنبش زنان با عنوان جنبش زنان ایرانی- اسلامی نیز با نفی برخی افراطی-گری‌های جنبش زنان خود را مستقل از امواج غربی و در پی احقاق حقوق زنان با توجه به مبانی اسلامی می‌داند (Saraphraz, 2009).

نقد زنانه به دنبال تلاش‌های زنان در عرصه‌های مختلف، در ادبیات پدید آمد. از پیشگامان این نقد می‌توان به مری ولستون‌کرافت و ویرجینیا وولف اشاره کرد. ویرجینیا وولف سردمدار موج اوّل جنبش زنان بر تفاوت نوشتار زنان و گاه برتری‌های آن، هم‌چنین بر مشکلات پیش روی زنان نویسنده تأکید می‌کرد (Seldin and Viduson, 2005). به طور کلّی دو شیوه‌ی عمده در نقد زنانه وجود دارد: شیوه‌ی نخست که جلوه‌های زن نامیده می‌شود، به این موضوع می‌پردازد که زن در آثار ادبی به چه صورت و با کدام نقش‌های قالبی ارائه می‌شود. گرایش دوّم که نقد زنان نامیده می‌شود، به بررسی زن در مقام نویسنده می‌پردازد. (Payandeh, 2003, Shamisa, 1999)این پژوهش با تأکید بر شیوه‌ی نخست به بررسی شخصیّت‌های داستانی زن و نقش آن‌ها در آثار پیشگفته به عنوان نمونه

www.SID.ir

Archive of SID

هایی برجسته از ادبیات داستانی عامه‌پسند می‌پردازد. این نقش با مسائل و مشکلات زنان و شیوه‌ی رویارویی آنان با این مشکلات ارتباط مستقیمی دارد و علاوه بر این‌که دیدگاه خاصّ نویسنده را نشان می‌دهد، جایگاه زنان را در جامعه‌ی معاصر منعکس‌می‌کند و تأثیر و تأثّر متقابل هویّت زنانه‌ی شخصیّت‌های این آثار را در قشر عظیم مخاطبان آن که اکثرشان را زنان تشکیل می‌دهند، خاطر-نشان می‌سازد. از طرف دیگر بررسی نقش زنان در آثار پرمخاطب، که اغلب مورد بی‌توجهی اقشار روشنفکر واقع شده است و مقایسه‌ی آن با نظریات جنبش زنان، ضمن انعکاس تفاوت یا تشابه زنانگی در این آثار، تأثیر دیدگاه‌های غربی را در آثار عامه پسند نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان به بررسی تأثیر دیدگاه‌های جنبش فمینیستی زنان در خوانندگان این آثار و افزایش یا تغییر سطح آگاهی آنان پرداخت. این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱- جلوه‌های زنانه در آثار نویسندگان زن رمان‌های عامه‌پسند چگونه است؟

۲- این نقش تا چه حد با آراء و تفکّرات فمینیستی مطابقت می‌کند؟ آیا این نقش در همه‌ی این آثار یکسان است؟

۲-پیشینه‌ی پژوهش

بررسی وضعیّت زنان در ادبیّات سنّتی فارسی، به شکل‌های گوناگون صورت گرفته است. گاهی زوایای تاریک زندگی اجتماعی زنان منعکس می‌شود و مظاهر زندگی اجتماعی آنان ازقبیل ازدواج، برده‌داری، خشونت علیه زنان، حجاب و تعامل اجتماعی زن و مرد در متون حماسی و غنایی بررسی می‌شود (Mukhtarnmeh and varedi, 2016). در مواردی اندک مقام زن بالا می‌رود. دیدگاه مشترک ابن عربی و مولوی به جایگاه زن، او را آیینه‌ی شهود حق و جایگاه عشق و مهرورزی ترسیم می‌کند (Fattahi, 2014). در ادبیّات معاصر مقالات متنوّعی با رویکردهای متفاوت به موضوع زن پرداخته‌اند؛ امّا در خصوص نقش و جایگاه زنان در آثار عامه‌پسند به شیوه‌ی پیش رو، پژوهشی صورت نگرفته است. آثار داستانی عامه‌پسند به دلیل این‌که عمدتاً «احساسی، درونی، عاطفی، خانوادگی و بالاخره زنانه» محسوب می‌شوند، در ژانر سازگاری طبقه‌بندی‌می‌شوند (Mir Fakhraei, 2005). در بررسی رمان‌های دهه‌ی هشتاد بر اساس هویّت‌یابی زنانه، دو رمان عامه‌پسند دریا و دختر درمه انتخاب‌شده و نتیجه‌ی پژوهش نشان داده است که زنان داستان هویّت و استقلال چندانی ندارند و باورها و

www.SID.ir

Archive of SID

کلیشه‌های سنّتی را نشر می‌دهند(Rezvaniyan, 2016) . در پژوهشی دیگر با تأکید بر مطالعات فرهنگی، کارکردها و تحوّلات رمان عامه‌پسند بررسی می‌شود. در بخش کوتاهی از این مقاله، تحقیر موضوعی رمان‌های عامه‌پسند و تنزّل مقام نویسندگان زن به عامه‌نویس صرف رد می‌شود. (Ansari Zazadeh, 2012) در بررسی میزان و علل گرایش به رمان عامه‌پسند، ارتباط میان جنسیّت مخاطبان و رشته‌ی تحصیلی آنان با گرایش به رمان عامه‌پسند تأیید نشد. (Kianpour, 2012)در پژوهشی شناخت نام نویسنده و توصیّه‌های اطرافیان، عامل انتخاب رمان عامه‌پسند در بین مخاطبان زنی بود که برای رسیدن به عیش مدام و یادگیری راه‌حلّ مشکلات روزمرّه به خواندن رمان‌های عاشقانه در کنار کتاب‌های روان‌شناسی عامیانه می‌پرداختند (Javadi Unique and Arhami, 2011).

این پژوهش با بررسی نقش زنان در نمونه‌های برجسته‌ی رمان‌های عامه‌پسند در دو سطح ساختار و محتوا، یافته‌های خود را با نظریّات مطرح جنبش زنان مطابقت می‌دهد. نخست میزان حضور شخصیّت‌های زن و چگونگی آن در ساختار روایی رمان بررسی‌می‌شود. پس از آن جلوه‌های حضور زنان استخراج و طبقه‌بندی می‌شود. سپس با طرح دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه‌های مذکور به انطباق وجوه زنانه‌ی اثر با دیدگاه‌های فمینیستی و تحلیل آن می‌پردازیم. بدیهی است نقد باورهای فمینیستی براساس یافته‌های متن و میزان انطباق با آن امکان‌پذیر است و با واقعیت‌های جامعه متفاوت است.

۳–جنس شخصیّت‌ها

بانوی جنگل، تاوان عشق و گلی در شوره زار به نسبت دیگر آثار مورد بحث شخصیّت‌های کمتری دارند. برخی منتقدان حضور شخصیّت‌های زن را در آثار زنانه بیش‌تر و پررنگ‌تر از جنس مخالف تلقی‌می‌کنند (Najafzadeh, 1996). نکته‌ای که با توجّه به حضور گسترده‌ی مردان در برخی داستان‌های مذکور و حتّی انتخاب مردان، به عنوان قهرمان مکمّل و تأثیرگذار، دست‌کم درباره‌ی برخی از آثار مورد بحث ما صحیح نیست؛ امّا در نیمی از آثار، شمار زنان بر مردان غلبه دارد و این نکته درباره‌ی شخصیّت‌های اصلی بیشتر صدق می‌کند. در این پژوهش شخصیّت اصلی، «شخصیّتی است که تغییرپذیر باشد و به شخصیّت‌های واسطه‌ای که چه یک بار و چه چندین بار در داستان ظاهر می‌شوند تا بدون آن‌که اهمّیّت مخصوص به خود را داشته باشند، به تغییر شخصیّت‌های اصلی کمک‌کنند، شخصیّت‌های فرعی گفته می‌شود» (Bishop, 2004).

www.SID.ir

Archive of SID

جدول‌های زیر جنسیّت شخصیّت‌ها را نشان می‌دهد:

جدول شماره‌ی ۱- نسبت شخصیّت‌های زن به مرد رمان‌ها

عنوان رمان	تعداد کل شخصیّت‌ها	شخصیّتهای اصلی	شخصیّتهای فرعی	شخصیّت زن	شخصیّت مرد	شخصیّت زن اصلی	شخصیّت مرد اصلی	درصد شخصیّت زن
بانوی جنگل	۱۹	۶	۱۳	۱۰	۹	۴	۲	۵۲٪
تاوان عشق	۱۱	۴	۷	5	۶	۱	۳	۴۵٪
گلی در شوره زار	۱۲	۵	۷	۷	۵	۳	۲	۵۸٪
باور آفتاب	۲۴	۵	۱۹	۱۱	۱۳	۳	۲	۴۵٪
دنیای پر امید	۳۷	۵	۳۲	۱۲	۲۵	۲	۳	۳۲٪
بامداد خمار	۵۲	۱۰	۴۲	۲۸	۲۴	۶	۴	۵۳٪

جدول شماره‌ی ۲- شخصیّت‌های اصلی و فرعی زن و مرد رمان‌ها

عنوان رمان	شخصیّت زن اصلی	شخصیّت زن فرعی	شخصیّت مرد اصلی	شخصیّت مرد فرعی
بانوی جنگل	عاطفه، هدیه، فرنگیس، خانم حیدری،	بهاره، شیده، شیدا، مادام لیدیا، مادربزرگ آرش، همسر مجد	آرش آرین‌نژاد، فرهاد	فرزاد، آقای مجد، فرزین، شعبانی، کیومرث، استاد نقّاشی، مرد جنگل
تاوان عشق	ساده	زن همسایه، جمیله، فرشته، مادر ساده	استاد، ساموئل، عطا ملکی	پدر ساموئل، آیدین، میکائیل
گلی در شوره زار	مریم، فرشته، سپیده	مرجان شاه‌میری، خدیجه، شهلا، مادر فرشته،	پدر فرشته، منوچهر	دایی شهلا، پدر مریم، احمد
باور آفتاب	ملیکا، حلیمه خانم، پردیس	آمنه، ناهید، آسیه، زهرا، ارغوان، خاله اختر، ژاله، مادربزرگ ملیکا	زکریا، میلاد وکیلی	پدربزرگ ملیکا، پدر ملیکا، دایی زکریا، صادق، آقا ذبیح، جان علی،

www.SID.ir

Archive of SID

				مجید، مهرداد، حمید، مهندس رحمتی، جعفر
دنیای پر امید	زهرا، نرگس	مادر شهلا، معصومه، مادر رحمت، شهلا، اقدس، دوست اقدس، مادر نرگس، زن ایرانی مقیم خارج، مادر اقدس، مادر علی	علی، محمود، ناپدری شهلا(مش موسی)	اسماعیل، جعفر، مرتضی، حسین، احمد، رحمت، ابوالفضل، پدر رحمت، پدر علی، پیرمرد هم کلاسی، دکتر نخست، جراح چشم، فرمانده، پروفسور خارجی، مأمور اول و دوم ساواک، مأمور پلیس، همسر شهلا، حبیب و پسرش، آقای شهابی، حسین
بامداد خمار	ناهید، محبوبه، سودابه، نیمتاج، مادر رحیم، معصومه	نازنین، نزهت، خجسته، عصمت، کوکب، سپیده، عمّه کشور، شازده خانم، زن فیروز، انیس و عروسش، قابلهٔ پیر، افتخارالملوک، زن رختشو، رقیه دلّاک، اشرف السادات، گلین خانم، طاهره، رعنا، مادرشوهر خجسته، زن پسرخاله، صیغهٔ پسرخاله	منوچهر، آقاجان، رحیم، منصور،	نامزد سودابه، پیمان، فیروز درشکه‌چی، محمود، معلّم سرخانه، پسر انیس، حاج علی آشپز، پسر خاله، پدر رحیم، پدر منصور، کاظم خان، حاج نصرالله، پسرخالهٔ رحیم، داش اکبر، عمو و برادر معصومه، پسر اول و دوم منصور، پسر اشرف السادات، آسید تقی

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره‌ی ۳- جنس قهرمانان اصلی رمان‌ها

عنوان رمان‌ها	زن	مرد
بانوی جنگل	هدیه، عاطفه	-
تاوان عشق	ساده	-
گلی در شوره‌زار	فرشته	-
باور آفتاب	ملیکا	زکریّا
دنیای پر امید	-	علی
بامدادخمار	محبوبه	رحیم

در اغلب آثار مورد بررسی، نوع توصیف شخصیّت‌های زن بسیار کلّی و سطحی است. آفرینش شخصیّت‌هایی مسطّح،کلیشه‌ای و فاقد نمایش جزئیّات درونی و متوقّف کردن داستان برای شخصیّت‌پردازی مستقیم و سطحی از ویژگی‌های این نوع داستان‌هاست. «نویسنده‌ی رمان عامه-پسند هرجا که شخصیّتی وارد می‌شود، داستان و حوادث آن را متوقف می‌کند و به توصیف شخصیّت‌ها که عمدتاً هم توصیف چهره و ظاهر آن‌هاست می‌پردازد. » (Safai, Ali and Kobra Mozafari, 2009)

۴- تیپ‌های زنانه در رمان عامه‌پسند

مهم‌ترین معیار مرزبندی زنان در رمان عامه‌پسند بر اساس معیار اخلاقی و مطلق‌بینی خوبی و بدی آدم‌ها بدون توجّه به دلایل آن است. دوّمین معیار مهم برای تقسیم‌بندی زنان، از جنبه‌ی اقتصادی است که در آثار دنیای پر امید و گلی در شوره‌زار بیشتر به آن پرداخته شده است و مهم‌ترین نتیجه‌ی آن برای قشر مرفّه، اشاعه‌ی فرهنگ تجمّل‌گرایی و مصرف‌زدگی و برای قشر محروم، تحمّل فشارکار نامتناسب بیرون از خانه است. از این لحاظ، رمان‌های نوع اوّل که مبتنی بر سیاه و سپیدنمایی اخلاقی شخصیّت‌هاست، در بیان اصل مشکلات زنان ناکام مانده‌اند، امّا رمان‌های دسته‌ی دوّم، مسائلی را در راستای اهداف لیبرال‌ها و به خصوص جنبش زنان مارکسیست بیان می‌کنند که عامل اصلی مشکلات زنان طبقه‌ی متوسّط و کارگر را نظام سرمایه‌داری و اقتصاد جامعه می‌دانند. (Kulentay,2002)

www.SID.ir

Archive of SID

۴-۱- تیپ‌های زنانه بر اساس سیاه و سپیدنمایی

در رمان بانوی جنگل و تاوان عشق ، زنان در دو دسته‌ی کلّی با شخصیّت سیاه و سپید یا بد و خوب قرار می‌گیرند که خصایل آن‌ها دلیل مشخصی ندارد. در باورآفتاب تقسیم‌بندی زنان، اغلب در قالب کلیشه‌ای سیاه و سپید است و تنها در یک مورد شخصیّت خاکستری وجود دارد. در گلی درشوره زار، زنان روایت، با توجّه به میزان آگاهی در سه گروه کلّی قرار می‌گیرند: زنان نا آگاه، با شخصیّت سیاه و زنان آگاه با شخصیّت سپید ارائه می‌شوند. گروه سوّم به دلیل پرداخت ناکافی، در زمره‌ی شخصیّت‌های خاکستری قرار می‌گیرند.

در رمان بامدادخمار زنان به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند و گاهی این مسأله به طبقه‌ی اجتماعی آن‌ها مرتبط می‌شود. زنان طیقات مرفّه اغلب مؤدّب هستند و آداب معاشرت را رعایت می‌کنند، امّا طبقات محروم جامعه از این خصوصیّت بی‌بهره‌اند و تمسخر دیگران و پرده دری، خصلتی رایج در بین آن‌هاست.

جدول شماره‌ی ۴- تیپ‌های زنانه بر اساس سیاه و سپیدنمایی

نام رمان	شخصیّت‌های سیاه	شخصیّت‌های سپید	شخصیّت‌های خاکستری
بانوی جنگل	خانم حیدری و دختر عموها	عاطفه و هدیه	----------
تاوان عشق	آیدین	ساده و فرشته	----------
باورآفتاب	دختر خالهٔ زکریّا و پردیس	نامادری ملیکا و مادربزرگ	ملیکا
گلی درشوره زار	سپیده و شهلا	فرشته و مرجان	مادر و مریم
بامدادخمار	محبوبه	مادرشوهر	----------

۴-۲- تیپ‌های زنانه بر اساس وضعیّت اقتصادی

در رمان بانوی جنگل، زنان در یک تقسیم‌بندی در دوگروه کلّی مرفّه و تجمّل‌گرا یا متوسّط و مخالف تجمّل‌گرایی قرار می‌گیرند. در دو رمان گلی در شوره زار و بامداد خمار تأکید بر طبقه‌ی اجتماعی و مقایسه‌ی دو طبقه‌ی محروم و مرفّه، حوادث رمان را شکل می‌دهد. توصیف ویژگی‌های

www.SID.ir

Archive of SID

دو طبقه، اغلب تکراری و بدون نوآوری است و از شخصیّت‌های دو طبقه، کلیشه‌هایی غیرجذّاب می‌سازد. در رمان بامداد خمار، نویسنده با قرار دادن دختری از طبقه‌ی اشراف و اعیان در میان طبقات محروم به مقایسه‌ی آشکار وضعیّت اقتصادی و آثار آن در سبک زندگی و نمودهای فرهنگی آن می‌پردازد. در پایان رمان طلاق زن، دو طبقه را کاملاً در برابر هم در گسستی ابدی قرار می‌دهد. در رمان تاوان عشق حوادث داستان، زندگی شخصیّت‌هایی مرفّه مانند ساده را ترسیم می‌کند که دغدغه‌ی اصلی آن‌ها عشق است و در رمان دنیای پرامید، رنج و مرارت‌های طبقه‌ی محروم جامعه که دغدغه‌ی اصلیشان تغییر حکومت استبدادی است، ترسیم‌می‌شود.

جدول شماره‌ی ۵- تیپ‌های زنانه بر اساس وضعیّت اقتصادی

نام رمان	طبقه‌ی محروم	طبقه‌ی مرفّه	طبقه‌ی متوسّط
بانوی جنگل	----------	عمّه و دختر عموها	عاطفه و هدیه
گلی درشوره زار	فرشته و مادرش	مرجان، سپیده	---------
بامدادخمار	محبوبه و خانواده‌ی او	مادرشوهر و خانواده‌اش ، خدمتکاران زن	---------

۵- تحلیل نقش زنان

از دیدگاه فمینیست‌ها، رمان‌های عامه‌پسند، خیال‌پردازی پیش‌آگاهانه‌ای را در زنان پدید می‌آورد که دنیای ایمن و دور از هراس زنان را در وابستگی به مردان ترسیم می‌کند؛ دنیایی که زن با تن دادن به انقیاد مردان به قدرت می‌رسد(Story, 2007). فمینیست‌های رادیکال با انتقاد از این گونه آثار روایتی، آن‌ها را به دلیل انعکاس تمایل زنان به مردان طردمی‌کنند(Lafi, 2007). فرار زنان از واقعیّت، ترسیم چهره‌ی زن خوب با خدمت به مرد و خانواده، جلوه دادن وظیفه‌ی زن در برقراری پیوندی عاشقانه، حفظ همسر یا شریک زندگی و مشروط دانستن زندگی خوب به بهره‌مندی زن از زیبایی، از مهم‌ترین مولّفه‌های آثار روایی عامه‌پسند از قبیل فیلم و داستان در غرب است که مورد انتقاد فمینیست‌هاست(Lafi, 2007).

این بخش از پژوهش بر اساس شیوه‌ی نخست نقد زنانه که جلوه‌های زن نامیده می‌شود، نقش زنان را در آثار پیشگفته تحلیل و آن را با دیدگاه‌های مطرح فمینیستی مقایسه می‌کند تا تشابه و تفاوت‌های آن را با دیدگاه‌های فمینیستی بررسی‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

۵-۱- نقش جنسیّ زنان

نقش جنسی به ویژگی‌های خاصّ زنان در آثار پیشگفته می‌پردازد که از زنانگی آنان نشأت‌می‌گیرد و تفکیک جنسی آنان را به‌دنبال‌دارد. تأکید بر فیزیک و جسم زنانه، به تمایز آنان و شکل‌گیری نقش‌های خاصّ زنان منجر می‌شود:

۵-۱-۱- ظاهرگرایی جنسی و تأکید بر زیبایی زنانه

یکی از ویژگی‌های شخصیّت‌های رمان‌های مورد مطالعه، ایده‌آل‌گرایی در توصیف قهرمانان زن از جنبه‌ی زیبایی است. اهمیّت زیبایی ظاهری زنان، تا حدی است که نویسنده در جای جای روایت و اغلب به شیوه‌ای مستقیم بر آن تأکید می‌کند. حتّی شخصیّت‌های منفی زنان نیز اغلب از زیبایی ظاهری برخوردارند و گاه از این لحاظ بر شخصیّت زن مثبت برتری می‌یابند. بدین ترتیب در برخی رمان‌ها چون تاوان عشق، باور آفتاب و دنیای پر امید، به توصیف زیبایی ظاهری قهرمانانی چون ساده و ملیکا و نرگس به‌تفصیل پرداخته‌می‌شود، امّا درباره‌ی شخصیّت‌های منفی چون آیدین و پردیس توصیف جزئی زیبایی ظاهری مشاهده می‌شود.

در روایت بانوی جنگل نویسنده با تلاشی آشکار درصدد است تا جاذبه‌های جنسیّتی شخصیّت-های زن را نشان دهد. این جاذبه با تأکید بر زیبایی ظاهری شکل می‌گیرد و در مورد قهرمانان زن حسن صورت با سیرت توأم می‌شود. در رمان بامداد خمار، عشق بر اساس زیبایی شخصیّت‌ها شکل می‌گیرد و این زیبایی در طبقات مرفّه با آراستگی و تجمّل‌گرایی بیشتر نمود می‌یابد. تنها در مورد نیمتاج خانم، آبله رویی او مانع از تکمیل زندگی اوست و این نقص آشکار جسمی با وجود هوو جبران می‌شود.

تأکید بر ظاهرگرایی و استفاده‌ی ابزاری از زنان که میراث تفکّر سنّتی پیشین است، مورد انتقاد جنبش زنان لیبرال قرارگرفت. از دیدگاه سنّتی وظیفه‌ی زن خوشنود ساختن مرد است. روسو در کتاب امیل معتقد است که «کلّ آموزش برای زنان باید توجه به مردان باشد. آن‌ها باید مردان را راضی‌کنند» (Roussu, 1970). جنبش زنان لیبرال، زیبایی‌گرایی زنان را عامل سوء استفاده‌ی ابزاری از زنان و پاسخ به ندای سرمایه‌داری می‌داند. باوری که بعدها در جنبش زنان رادیکال تغییر یافته و ابزار کسب قدرت می‌گردد. از دید جنبش زنان پسامدرن نیز قدرت ناشی از زیبایی‌های زنانه با توانایی‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از مردسالاری برابری می‌کند و با ستم‌های ناشی از سلطه‌ی

www.SID.ir

Archive of SID

آنان مقابله می‌کند (Attarzadeh, Mojtaba, 2008). از دیدگاه نوگرا نیز زنان دریافتند که «همان گونه که مردان به زیبایی علاقه دارند، خود نیز باید به زیبایی خویش واکنش مثبت نشان دهند؛ زیرا جلب تأیید خود و دیگران در این زمینه بر میزان اعتماد به نفس و موفّقیت‌شان می‌افزاید و این حضور موفّق، همه‌ی عرصه‌های بهره‌وری را در جامعه مبتنی بر تبعیض جنسیّتی متحوّل‌می‌سازد » (Mohammadi Asl, Abbas, 2007). بدین‌ترتیب استفاده از زیبایی از شکلی منفعل توسط زنان خارج می‌شود و به شکلی فعّال برای شکستن مرزهای بوالهوسانه‌ی مردسالاری و برابری‌جویی اجتماعی به‌کار می‌رود.

انعکاس زیبایی‌های زنانه در این آثار در جهت انتقاد از آن یا استفاده از آن به عنوان ابزار قدرت نیست؛ بلکه اهمیّت دادن به این ویژگی و تأکید بر حفظ آن در کنار تقویّت روحیّه، انسانیّت و اخلاق، برای ایستادگی در برابر هر نوع سوءاستفاده از آن است. درواقع نگاه جنسیّتی نویسنده به زنان، موقعیّت آنان را تا حد شیءوارگی تنزل‌می‌دهد؛ یعنی زنان باید ویژگی یا خصوصیّتی بارز داشته باشند تا مردان به آن‌ها توجه کنند. امّا در عین حال باید خویشتن‌دار و دارای ویژگی‌های بارز اخلاقی باشند که بی‌شک از الگوهای فرهنگی ما تأثیر می‌پذیرد. بنابراین می‌توان وجه سوّمی را در این داستان‌ها درنظرگرفت: زیبایی شخصیّت‌های زن، بی شک از اهمیّت و تأثیر آن بر مردان و شکل‌گیری عشق مطلوب زنان و در نهایت پیشبرد طرح داستان حکایت می‌کند. بدین ترتیب زیبایی زنانه از دیدگاه نویسنده، ابزار تغییر وضعیّت داستانی است که نقش مثبت و مؤثّری را در زندگی شخصیّت‌ها ایفا می‌کند.

در دنیای پرامید، نرگس دختری بسیار زیبا امّا نابیناست. این نقص جسمانی، تنهایی و اندوه او را موجب می‌شود. «نرگس رنج می‌برد از این که مردها بیشتر به زیبایی ظاهری اهمیّت می‌دهند تا به زیبایی باطنی»(samani, 2010).کنش علی، قهرمان داستان در پذیرش نرگس به عنوان همسر و موافقت جعفر با اهدای چشم همسرش به نرگس نشانه‌ی انتقاد نویسنده از ظاهرگرایی جنسی و تمایل به تغییر این گرایش همگانی مردان است.

۵-۱-۲- غلبه بر ضعف های جنسی از سوی زنان

در تاوان عشق، نویسنده با بخشیدن خصلت‌های مردانه به ساده، بر تفاوت آشکار او با سایر زنان تأکیدکرده است. (Rahimi, 2009)امّا در نهایت احساس زنانه‌ی ژرف و عمیق این شخصیّت، عشق

www.SID.ir

Archive of SID

پایدار وی را تضمین می‌کند. ساده با حفظ ویژگی‌های زنانه‌ی خویش در برابر نقطه ضعف‌های جنسی خود ایستاده است و سرچشمه‌ی قدرت درون خود را شناخته است. او نمود تحقّق خواسته‌ی ویرجینیا وولف در موج اوّل جنبش زنان، یعنی آزادی از قید تفاوت زیست‌شناختی و پذیرش اجتماعی قابلیت‌های عقلانی زنان می‌باشد (Selden, 2005). از دیدگاه سیمون دوبوار« آدمی زن زاده نمی‌شود، زن می‌شود» (Friedman, 2004) ؛یعنی موقعیّت فرودست زنان یک امر طبیعی یا زیست شناسی نیست، بلکه جامعه آن را به‌وجود آورده است. در این اثر بر توانایی‌های جسمی ساده تأکید شده است. شولامیت فایر استون در دیالکتیک جنس، اهمیّت این موضوع را بازگو می‌کند: «تأکید بر برتری‌های جسمی و قدرت بدنی به نوعی مقابله با بزرگ‌ترین عامل بدبختی زنان است » (Farahmand and Bakhtiari, 2007) . ضعف قدرت بدنی در زن، نسبت به مرد، یک ویژگی جنسیّتی است که بیشتر از قرادادهای اجتماعی حکایت می‌کند. شکّی نیست که می‌توان این ضعف را محدود-ساخت و خود را به روش‌های افزایش قدرت بدنی مجهز ساخت.

در رمان بامداد خمار، محبوبه در طول هفت سال زندگی مشترک از شخصیّتی فرمانبردار و مطیع و به تعبیر همسرش برّه‌ای مظلوم به پلنگی سرکش تبدیل می‌شود. او که حتّی از بلند کردن صدایش واهمه دارد، مادرشوهرش را به باد کتک می‌گیرد و در برابر شوهرش رحیم می‌ایستد (Haj Seyyed Javadi, 1997).

۵-۱-۳- نقش مادری: دغدغه و مسئولیّت نگهداری از فرزندان

در رمان بامداد خمار، عشق آتشین که عامل شکل‌گیری زندگی زناشویی بود، به سردی می‌گراید و آن‌چه موجب تداوم زندگی است، عاطفه‌ی مادرانه و دغدغه‌ی آینده‌ی فرزند است. عاطفه‌ی مادرانه در این اثر و لزوم تربیت فرزند، تحمّل همه‌ی رنج‌ها و سختی‌ها را برای زن هموار می‌سازد و توانمندی بزرگ زن تلقّی می‌شود که فقدان آن ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است.(Haj Seyed Javadi, 1997) جنبش زنان موج اوّل با تأکید براهمیّت نقش مادری و حیات‌بخشی زنان، معتقدند که نقش مادری مانع از آن نیست که زنان به کارهای دیگر، ازجمله فعّالیّت‌های سیاسی و اجتماعی بپردازند. بدین-ترتیب آنچه نقش مادرانه را به مانعی برای سایر نقش های زنان تبدیل‌کرده، وابستگی جنسی زنان به مردان و به تبع آن وابستگی اقتصادی بوده‌است (Bagheri, Khosrow,2003). جنبش زنان افراطی، عاطفه‌ی مادرانه را سدّی در برابر زنان می‌دانستند؛ امّا جنبش زنان موج سوّم این مهر

www.SID.ir

Archive of SID

مادرانه را از جمله توانمندی‌های خاصّ زنان برمی‌شمارند (Farahmand / Bakhtiari, 2007). از دید برخی منتقدان، باید میان قابلیت طبیعی بچه‌دار شدن و نقش اجتماعی مادر شدن تمایز قائل شد. از دید آنان مادرشدن مفهومی اجتماعی است که وظیفه‌ی اصلی زن را زایش و پرورش فرزند می‌داند؛ درحالی‌که پدر شدن را کمتر به رسمیّت می‌شناسد (Abut, Pamela and Clervallas, 1390).

۵-۱-۴- حقّ کنترل باروری

در رمان بامداد خمار، بارداری شخصیّت زن، عامل اسارت او در زندگی مشقّت بار ترسیم شده است. محبوبه که بارداری دوّم خود را عامل اسارت در زندگی نامطلوب و رنج و درد بیشتر می‌داند، به سقط جنین یک ماهه‌ی خود در شرایطی نامطلوب تن می‌دهد. شرایطی اسف بار که فاجعه‌ی ناباروری را به‌دنبال‌دارد (Haj Seyed Javadi, 1997).

در نخستین کنفرانس سازمان ملّی زنان در سال 1967، اعلامیّه‌ی حقوقی تدوین شد که حق زنان برای کنترل باروری به عنوان یکی از محورهای اصلی جنبش زنان لیبرال در آن منعکس می‌شد. از دیدگاه لیبرال‌ها« مادری تنها وقتی به یک عمل انسانی لذّت‌آفرین تبدیل می‌شود که زنان بتوانند با آگاهی و مسئولیّت انسانی کامل تصمیم بگیرند مادر باشند ». به نظر آن‌ها این فقط حقّ زن است که بخواهد یا نخواهد بچه‌دار شود (Moshirzadeh, Homeira, 2003). از دیدگاه جنبش زنان رادیکال، جسم زنان «بنیان فیزیکی است که از آن به طرف جهان حرکت می‌کنند» و زنان باید از جسم خود آگاهی داشته باشند و آن را کنترل‌کنند. از دیدگاه آن‌ها این حقّ فردی زنان است و هر نوع کنترل اجتماعی مردان را نفی می‌کنند. پاره‌ای از آنان، از جمله شولامیت فایر استون به شکلی افراطی ریشه‌ی نابرابری زن و مرد را در نتیجه‌ی قدرت باروری زن می‌دانند و راه رهایی از آن را تکیه بر فن‌آوری نوین تولد کودک می‌دانند (ibid.p 286).

۵-۲- نقش‌های جنسیّتی

این نقش‌ها اغلب در عرصه‌ای فراجنسی ظاهر می‌شوند. زمانی که زن در محیط خانه یا بیرون از آن با هویّت جنسی و محدودیّت‌های برساخته‌ی آن روبه‌رو می‌شود و با پذیرش یا تحمیل نقش هایی خاص، تجربه‌های جدیدی را در تعامل با جنس مذکّر کسب می‌کند.

۵-۲-۱- نقش اقتصادی

نقش اقتصادی زنان در رمان‌های مذکور، در بخش‌های وابستگی اقتصادی زنان، اشتغال دوگانه‌ی زنان در منزل و بیرون از آن و دغدغه‌ی اشتغال خانگی آن‌ها مطرح می‌شود. اهمّیت نقش اقتصادی در برابر دغدغه‌ی مادری، تربیت فرزند و لزوم حضور زن در کنار خانواده در این آثار کمرنگ می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

الف- وابستگی اقتصادی زنان به مردان

یکی دیگر از مباحث زنانه‌ی موجود در زوایای رمان بانوی جنگل، بحث ناتوانی زنان در اداره‌ی امور اقتصادی خویش و وابستگی آنان به مردان، حتّی در صورت توانایی مالی است. خانم رحیمی در جایی از داستان، بر اقتدار، مدیریت، پاکی و امتیاز عمّه بر سایر زنان تأکید می‌کند؛ امّا درجایی نیز او را فردی ضعیف و ناتوان در اداره‌ی دارایی‌های همسر نشان می‌دهد که دست نیاز به سوی برادر و پسران خویش درازکرده‌است (Rahimi, 2009). رحیمی در این داستان، به زنانگی و حتّی تساوی زن و مرد نظر ندارد و متأثّر از دیدگاه‌های سنّتی، زنان را در اداره‌ی امور اقتصادی خویش نیازمند همراهی و همکاری مردان نشان می‌دهد و این تعاون فراتر از تساوی زن و مرد و متفاوت با آن است.

در گلی در شوره زار، مادر به دلیل اعتیاد و بی‌کاری همسر ، با وجود اهتمام به امور خانه، مجبور است برای کمک به پسرش، در تأمین اقتصادی خانواده به همراه دخترش خیّاطی‌کند؛ امّا درآمد کم موجب شرمساری و نیاز مالی او به پسر می‌شود. خانم ثامنی در عین طرح این مسأله، تنها گره‌گشای مشکلات فرشته را ظهور مرد عاشق‌پیشه‌ی ناجی می‌بیند. در واقع مشکلات موجود ، تنها به وسیله‌ی مردان برطرف خواهد شد. حرکتی که با نفی توانمندی زنان بر وابستگی پایدار آن‌ها به مردان بیش از پیش می‌افزاید (samani, 1999)

یکی از مهم‌ترین بحث‌های جنبش زنان از آغاز پیدایش این مکتب و شکل‌گیری موج نخست، درباره‌ی عوامل وابستگی و نیاز کلّی زنان به مردان است که موجب ستم به آن‌ها می‌شود. زنان، به ویژه قشر کم‌سواد یا بی‌سواد جامعه، بیشتر در تأمین اقتصادی خویش، به مردان وابسته هستند. جنبش زنان لیبرال معتقدند که طبیعت، انسان‌ها را به صورت مساوی آفریده است و تفاوت‌های ناچیز جنسی صوری است (Zibaeenejad, 2003). از دیدگاه آن‌ها نقش‌های جنسیّتی از پیش تعیین شده، از همان آغاز کودکی دختران را به موجوداتی فرودست، فرمانبر، ظریف و غیراجتماعی تبدیل می‌کند. جنبش زنان موج دوّم معتقدند «زنان برای جلوگیری از چنین سرنوشتی باید همواره خود را از لحاظ مالی، مستقل نگه دارند؛ هم‌چنین وجود درآمد عادلانه و مبتنی بر توانایی‌ها و محدودیت-های زنان، کمک‌های اقتصادی دولت به زنان سرپرست خانواده و درگیر بحران از جمله راه حل‌های

www.SID.ir

Archive of SID

پیشنهادی جنبش زنان به دولت‌ها برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی است» (Farahmand and Bakhtiari, 2007).

ب- شغل دوگانه‌ی زنان:کار خانگی و کار بیرون

در دنیای پرامید، نرگس، پس از آن‌که همسرش علی، دوازده سال تمام از سوی سازمان اطلاعات زندانی می‌شود، تمام بار زندگی و پرورش دو فرزند را به‌دوش می‌کشد. نویسنده با نمایش قهرمانی و فداکاری علی، صبر و گذشت زن را در حاشیه‌ی آن منعکس می‌کند. نرگس زنی است که پس از به زندان افتادن همسرش، گرفتار «استثمار دوگانه‌ی تقسیم کار، در محل کار و خانه» (Selden / Widoson, 2005) می‌شود. از دید جنبش زنان، ستم مادّی به زنان آنان را درگیر دو نوبت کاری می‌سازد: «در خارج خانه برای دستمزد و در داخل خانه برای عشق ». به همین جهت به زنان شاغلی که در داخل خانه مورد بی‌توجّهی مردان واقع می‌شوند، کارگران خانگی اطلاق می‌کنند (Westwoodn, 2007).البته غرض نویسنده از انعکاس این حوادث، نمایش فداکاری و سازگاری زن سنّتی در حاشیه‌ی قهرمان پروری مرد داستان است. این فداکاری و سازگاری انسجام خانواده را محکم می‌سازد و برخلاف دیدگاه‌های فمینیستی با میل و رغبت زنان همراه است.

پ- دغدغه‌ی کار خانگی زنان

در رمان بامداد خمار، زنان مرفّه جامعه، با استخدام کلفت، نوکر و پرستار به مدیریّت و نظارت بر انجام کارهای روزانه می‌پردازند. این امر به نوبه‌ی خود، بسیاری از مشاغل خاص زنان را همچون دایگی، خیاطی و رختشویی پدید می‌آورد. امّا حضور محبوبه که از طبقه‌ی اعیان و اشراف است، در بین قشر محروم جامعه، انجام کارهای خانه را برای او سخت و ناممکن می‌سازد. نتیجه‌ی نامطلوب کار خانگی و تسلّط مادرشوهر بر خانه‌ی او، پیامد این امر است که مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. (Haj Seyyed Javadi, 1997)تفاوت دو طبقه‌ی زنان در این مسأله، پیامدهای مختلفی را در زندگی آنان به‌دنبال دارد. فراغت و تن‌آسانی، پرداختن به مسائل آموزشی و فرهنگی، امتیاز قشر مرفّه است که در بین طبقات محروم، حتّی فرصت تفکّر درباره‌ی آن میسّر نیست و این امر گسست و جدایی دو طبقه از زنان را در این اثر به خوبی نشان می‌دهد.

www.SID.ir

Archive of SID

«نقش مدیریّتی زن ایرانی در خانه به عنوان هسته‌ی اصلی خانواده، زن را از حضور مستمر در محیط اجتماعی بازمی‌دارد ». (Dzham, 1994) تفکّر در این مسأله منجر به آگاهی است. این آگاهی دیر هنگام زن ایرانی از خودش، نشانگر هویّت‌یابی اوست. هویّت‌یابی بازاندیشانه‌ای که دیگر نمی-گذارد روزمرگی و جریان معمول زندگی و رسیدن به امور دیگران، آنان را از خودشان دور سازد. (RafatJah, 2008)از دیدگاه محققان زندگی انسان به سه بخش کار، فراغت و ضرورت تقسیم می-شود. جنبش زنان معتقد است که این الگوی مردانه با زندگی اکثر زنان مطابقت نمی‌کند. اغلب خدمات بی اجر خانگی را کار نمی‌شناسند؛ از طرف دیگر زنان متأهّل اوقات فراغت کمتری را در خارج خانه سپری می‌کنند. از دید آنان خانه‌داری نیز نوعی کار است و تجربیّات کاری زنان و نگرش‌ها و ارزش‌های آنان با مردان متفاوت است (Abbott, Pamela and Clervallas, 2011). از نظر جامعه و خانواده، مهم‌ترین برنامه و هدف زندگی یک زن بر خلاف مردان ازدواج و تربیّت فرزند است و بقیه‌ی امور، فرعی و موقّتی محسوب می‌شوند. به این ترتیب، زنان در جریان زندگی ظاهراً به اراده‌ی خود، امّا در حقیقت توسط جامعه‌ی مرد سالار حذف و خانه‌نشین می‌شوند. (Amir Ebrahimi, 1994)

۵-۲-۲- نقش فرهنگی

نقش فرهنگی زنان مواردی مانند فداکاری و همدردی زنان نسبت به یکدیگر، تلقّی دیگرگونه از عشق، ترسیم الگوی مرد ایده‌ال، پیامدهای متفاوت انواع ازدواج ناموفّق و موفّق و خشونت جنسی علیه زنان را دربرمی‌گیرد که به شرح آن می‌پردازیم:

الف- طرح فداکاری و همدردی زنان به هم جنس

در رمان دنیای پرامید، زهرا که از موهبت همسری فهیم و دلسوز بهره می‌برد، به لحاظ حقّ تصمیم‌گیری برای بخشیدن عضوی از بدن خود آزاد است. او با آگاهی از رنج درونیّ برادر و به قصد جبران محبّت‌های او، چشمش را به زن برادرش می‌بخشد. مادر علی نیز به همین دلیل حاضر به اهدای چشم خود می‌شود. در این مرحله گذشت زنان پس از مردان منعکس می‌شود. ناکامی علی در اهدای چشم و موافقت جعفر، همسر زهرا، با عمل او گذشت زنان را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد (Sameni, 1994). در رمان بامداد خمار، همدردی و محبّت هووی مادر نسبت به محبوبه، عواطف انسانی زنان را به هم‌جنس خود نشان‌می‌دهد (Haj Seyyed Javadi, 1997) در رمان گلی

www.SID.ir

Archive of SID

در شوره‌زار، معلّم فرشته با دلسوزی او را از ترک تحصیل بازمی‌دارد (Sameni, 1999). این راه حلّ اتفاقی که از حس نوع دوستی و ترحّم زنانه‌ی معلّم شکل می‌گیرد، نمونه‌ی عالی غمخواری، مراقبت و روحیه‌ی جمعی زنان نسبت به یکدیگر است؛ حسّی که امتیاز مثبت زنان بر مردان و توانایی ویژه‌ی آنان از دیدگاه موج اوّل تلقّی می‌شود.

جنبش زنان موج اوّل بر گرایش‌های عاطفی زنان به جای عقل‌گرایی تأکید می‌کردند. از دیدگاه آنان، باید از عقل‌گرایی فراتر رفت و جایگاه عاطفه و احساس را بازشناخت. بدین‌ترتیب زنان به جای آن‌که بکوشند تا وجهه‌ای عقلانی از خود بسازند تا به مردان شبیه‌گردند، باید با عواطف قدرتمند خود به دانش ویژه‌ای برسند. به بسیاری از نکات در روابط بین‌فردی خود توجّه کنند و وجوه ناآشکار روابط را بازشناسی‌کنند. هم‌چنین توجّه به توانایی‌های ویژه‌ی زنان به خصوص حس نوع‌دوستی و غمخواری آنان، امتیاز خاصّی برای آنان محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که از دیدگاه گیلمن، زنان در جریان تحوّل نوع بشر، «نقش مهر ورزیدن، همکاری و سازندگی را عهده‌دار شدند؛ بنابراین زنان برای مدیریّت و حکومت بهتر از مردان عمل می‌کنند. » (Bagheri, Khosrow, 2003) موج دوّم جنبش زنان با تأکید بر اخلاق زنانه از این مرحله نیز فراتر رفت. از دیدگاه آنان «اخلاق غمخواری یا مبتنی بر مسئولیّت» خاصّ زنان است و با اخلاق مردانه متفاوت است (Ibid.p 41).

ب- ماهیت دیگرگونه‌ی عشق از سوی زنان

عشق در تمام آثار مورد بررسی، یکی از دغدغه‌های قهرمانان زن است و به استثنای دنیای پر امید که قهرمان آن مرد است، شاید به دلیل احساسی بودن و اهمیّت بسیار این مقوله در ذهن و زندگی زنان، موضوع اصلی داستان‌ها به‌شمار می‌رود.

در همه‌ی آثار پیشگفته، عشق قهرمانان از نوعی فراجنسی و اساطیری است. عشق‌هایی بسیار عمیق و متعهّدانه که خود را بر ساختار منطقی این آثار تحمیل می‌کند. عشق از این جهت باعث شکل‌گیری ازدواج و ازدواج عامل دست‌یابی زن به امنیّت اجتماعی، اقتصادی و روحی است. در رمان دنیای پرامید، عشق نرگس و علی در حاشیه‌ی شرح و تفصیل سختی زندگی مبارزان سیاسی و اهداف خداپسندانه‌ی آن‌ها رنگ می‌بازد؛ از سوی دیگر در اغلب رمان‌های مورد بحث، به استثنای تاوان عشق و بامداد خمار، عشق پدیده‌ای است که باید نخست از سوی مرد ابراز شود و در واقع مرد عاشق و زن، معشوق است. بدین ترتیب زن، نقش کلیشه‌ای پذیرنده و منفعل و مرد نقش بخشنده

www.SID.ir

Archive of SID

و فعّال را دارد. در داستان دنیای پرامید، اقدس، خواهر اسماعیل، با شکستن این ممنوعیّت به علی علاقه‌مند می‌شود؛ امّا در نهایت محکوم و ناکام می‌شود (Sameni, 1994).

امّا در دو رمان تاوان عشق و بامداد خمار، مسأله‌ی مهم، خواست و نیاز زن است که با قدرت زن در رسیدن به مطلوب همراه است. ساده، قهرمان رمان تاوان عشق، قادر به ابراز عشق، پیشقدمی و تغییر تفکّر مردان است (Rahimi, 2009). در رمان بامداد خمار پیشقدمی محبوبه در بیان عشق خود به رحیم و اصرار بر آن در برابر انکار خانواده، موجب طرد او از خانه‌ی پدری و تحقیر و طعنه‌ی خانواده‌ی شوهر است. عشقی که با شکست و ناکامی همراه می‌شود و ندامت او را به‌دنبال می‌آورد (Haj Seyyed Javadi, 1997)٠زن‌بارگی مرد، تعدّد زوجات، صیغه گرفتن و هوو شدن در این رمان به عنوان نمودهای نامطلوب زندگی زنان، آزردگی روحی زنان را از جلوه‌های خیانت در عشق نشان می‌دهد (Ibid.p 397).

ریشه‌ی این مسأله از دید جنبش زنان به پرورش زن و مرد بازمی‌گردد. دی کلی وایزبرگ معتقد است «مردان به‌گونه‌ای تربیت‌می‌شوند که تمایلات جنسی داشته باشند و احساس کنند حقّ داشتن شریک مورد علاقه‌شان را دارند. در حالی که زنان به گونه‌ای پرورش می‌یابند تا تمایلات آن‌ها را برآورده سازند و مفعولیّت جنسی را بپذیرند » (Farahmand, 2007). جنبش زنان موج اوّل با تأکید بر تفاوت‌های زیست‌شناسی و غریزه‌ی جنسی زنان بر عشق شاد، توأم با آگاهی، قدرت و انتخاب تأکید می‌کرد (Friedman, 2004.)جنبش زنان رادیکال عشق ناهم‌جنس خواه را عملی سیاسی می‌دانست که منجر به تداوم سلطه‌ی مذکّر می‌گردد. بنابراین به ردّ و انکار آن می‌پرداخت. تأکید بر ازدواج آزاد و جستجوی زندگی عاشقانه‌ی بدون ازدواج با انقلاب در رسوم اخلاقی موج دوّم همراه بوده‌است (Michel, 2004) و تبعات آن موج سوّم را نیز در برمی‌گیرد.

پ- ترسیم الگوی مرد ایده‌آل

در رمان باور آفتاب، بیشتر از آن که بتوان نمونه‌ی ستم برزنان را یافت، می‌توان نمونه‌های حمایت مردان از زنان را مشاهده نمود. زکریّا و بیژن الگوی مرد ایده‌آل و مطلوب زنان هستند: «مجنون نام گرفتم چون در عشق صادق بودم. ... هرگز به خود اجازه نداده بودم که او را بفریبم و

www.SID.ir

Archive of SID

پای در زنجیرش کنم »(Ibid.p 163) . درواقع یکی از دلایل عمده‌ی استقبال زنان خواننده از رمان عامه‌پسند نیز تکرار الگوی مطلوب همسر دلسوز و فداکار است. برشمردن ویژگی‌های مردان آرمانی در رمان بامداد خمار از زبان محبوبه، آرزوی زنان را نشان می‌دهد:آراستگی، فهم، متانت، شرافت، غیرت، سلامت نفس، پاره‌ای از این خصوصیّات است که با دیدگاهی انتقادی موجب امتیاز مردانگی بر مردی می‌شود (Haj Seyyed Javadi, 1997).

جنیس ردوی با تأکید بر مطالعه‌ی این‌گونه کتاب‌ها توسط زنان معتقد است که زنان با خواندن این کتاب‌ها برای مدّتی کوتاه می‌توانند در دنیایی دیگر زندگی‌کنند. آن‌ها در پایان رمان به این احساس اطمینان می‌رسند که مرد و ازدواج دو چیز واقعاً خوب هستند. از دیدگاه وی مطالعه‌ی این کتاب‌ها توسط زنان نشانگر رضایتشان از پدرسالاری نیست، بلکه نوعی اعتراض از راه خیال‌پردازی و حاکی از عشق به تجربه‌ی دنیایی بهتر است (Story, 2004). هرچند در این آثار طرح کلیشه‌ای نیاز زنان به حمایت مادّی و معنوی مردان مطرح می‌شود، امّا زنان نیز از استقلال و قدرت انتخاب برخوردارند. از سوی دیگر به دلیل تعدّد و گستردگی ابعاد پردازش شخصیّت مرد ایده‌آل و ترسیم چهره‌ای مثبت و مطلوب در همه‌ی زمینه‌ها، نوعی اعتراض زنانه معکوس در این داستان پدید می‌آید که از نویسنده شروع می‌شود و تا خیال‌پردازی خواننده‌ی زن ادامه می‌یابد. امّا این‌که نویسنده آگاهانه و با نیّت قبلی به طرح این مسأله پرداخته‌است، درخور تأمّل است.

ت- خشونت جنسی

در زمینه‌ی خشونت دیدگاه زنانه‌ی واحدی نیست، ولی همه‌ی رویکردهای جنبش زنان خشونت نسبت به زنان را در سطح وسیع‌تری بررسی می‌کنندکه همان جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان است. خشونت ساز و کار پرقدرتی برای کنترل اجتماعی است. خشونتی که زنان در عمل تجربه می‌کنند و هراسی که از خشونت مردانه دارند، فعّالیّت‌های ایشان را به شدت محدود می‌کند. لیزکلی برای خشونت جنسی تعریف زیر را پیشنهاد کرده است: « هر نوع عمل فیزیکی، بصری، کلامی یا جنسی که زن یا دختر، در زمان وقوع یا بعدتر، آن را به صورت تهدید یا ارعاب یا حمله‌ای احساس-کند که اثرش ناراحتی یا تحقیر او باشد و یا توانایی برقراری تماس نزدیک و صمیمانه را از او سلب‌کند » (Abbot, Pamela, and Clervallas, 2001). به عقیده‌ی پژوهشگران مسائل زنان، خشونت علیه زنان مشکل عمیقاً اجتماعی است که از درون نظام خانوادگی مردسالار برمی‌خیزد؛

www.SID.ir

Archive of SID

یعنی نظامی که با تسلط شوهر بر زن، نوع خاصّی از مناسبات قدرت در زناشویی و جایگاهی فرودست را برای همسر و مادر پدید می‌آورد. یکی از عوامل مهمّ خشونت مردان علیه زنان این تصور است که زنان به نحو مطلوبی وظایف خود را انجام نمی‌دهند. خشونت علیه زنان در آثار پیشگفته به شیوه‌های متعدّدی صورت می‌گیرد:

ت-۱- تنبیه جسمی زنان

تنبیه جسمی زنان به عنوان بارزترین شیوه‌ی خشونت مورد انتقاد شدید همه‌ی جنبش‌های زنان است. کتک زدن همسر، نشان دهنده‌ی قدرت، تعارض و اختلاف در خانواده است (Khosravi and Others, 2003). جنبش زنان رادیکال بر این عقیده‌اندکه اگر مردان جسارت حمله به زنان و تحمیل خواسته‌های خود بر آنان را دارند، به دلیل سوء استفاده از برتری فیزیکی است و زنان باید با افزایش قدرت بدنی، با آن مقابله کنند.

در رمان بامداد خمارکتک‌کاری و فحّاشی، ابزار اصلی رحیم برای تغییر وضعیّت زندگی مشترک به نفع خود است (Haj Seyyed Javadi, 1997). در رمان گلی در شوره زار پدر فرشته که مردی دائم‌الخمر است، همسر و دخترش را کتک می‌زند. (Sameni, 1999) مریم نیز هرگاه که به پدر اعتراض‌می‌کند، با خشونت فیزیکی وی و کتک‌خوردن، به سکوت وادارمی‌شود (Ibid.p 14 and 10) نویسنده با طرح این مسأله‌ی عمومی در چند صحنه به شکلی گذرا در میان خانواده‌هایی عموماً با سطح فرهنگی- اقتصادی پایین که زنان در بین آن‌ها به راحتّی در معرض خشونت جسمی واقع می‌شوند، بیشتر درصدد نمایش مظلومیّت و ستم‌کشیدگی شخصیّت‌های خود و نه در پی ارائه‌ی راه حل برای این معضل بوده است.

ت-۲- اجبار دختران به ازدواج

یکی از طبیعی‌ترین حقوق انسانی، حق انتخاب شریک زندگی و تصمیم‌گیری برای آینده‌ی خویش است. امری که در اغلب خانواده‌های ایرانی، به‌ویژه در سال‌های دورتر، اغلب از سوی پدر و مادر و به‌ویژه مردان به عنوان مالک و رئیس خانواده نادیده‌گرفته‌می‌شده است. دختران به دلایل

www.SID.ir

Archive of SID

عرفی و فرهنگی، مجبور به ازدواج‌های مصلحتی و اجباری از سوی پدران و برادران خویش می‌شدند و گاه، ناتوان از مقابله، نیمی از زندگی خویش را به راحتی در معرض فنا و نابودی قرار می‌دادند. این امر میراث پدرسالاری دوره‌ی باستان است که «ازدواج را نوعی از بیع می‌دانستند و زن جزو اموالی بود که در معرض خرید و فروش قرار می‌گرفت». (Hakimpour, 2003) در این واگذاری رضایت زن شرط نبوده‌است. اجبار به ازدواج از سوی پدر نیز نوعی خشونت جنسی علیه دختران محسوب می‌شود که نشانه‌ی قدرت مردان و اعمال محدودیّت برای دختران است. در نتیجه همان‌گونه که ذکرشد، همه‌ی جنبش‌های زنانه با هر نوع خشونت و تهدید زنان مخالفت می‌کنند. از دید آن‌ها کرامت والای جنس مؤنّث و مراعات حرمت او مستلزم نفی انواع خشونت در مورد زنان است (Michel, 2004).

در رمان گلی در شوره زار، مریم که اسیر خانواده‌ای نامهربان و نامادری بدطینت است، مجبور به ازدواجی ناخواسته می‌شود. (Sameni, 1999) موافقت مریم با این ازدواج اجباری و یافتن خوشبختی درگرو آن، به تصویرسازی اشتباه از این معضل و سرپوش گذاشتن بر آن منجر شده‌است. در داستان دنیای پرامید شهلا ناپدری طماعی دارد که برای کسب ثروت در حقیقت او را می‌فروشد. دلیل ناتوانی دختر در مخالفت با ناپدری، ضعف و اجبار به اطاعت از فرامین بزرگترها عنوان می‌شود. راوی اشاره‌ای مستقیم نیز به محدودیّت عرف و جامعه در این باره دارد. (Sameni, 1994)

ت-۳- اجبار به ترک تحصیل زنان

یکی از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی زنان از مردان در تمام ادوار تاریخ که جنبش زنان نیز بسیار بر آن انگشت نهاده‌اند، پایین بودن سطح سواد و آگاهی زنان جامعه نسبت به مردان است؛ ستمی آشکار که در دوره‌های تاریخی گذشته اغلب آگاهانه و برای جلوگیری از رشد فکری زنان و حفظ بردگی آنان انجام‌گرفته است. از دیدگاه جنبش‌های زنانه «دختران علاوه بر این‌که در نظام آموزشی امتیازات کمتری دارند، فرودستی و تسلیم شدن به ایدئولوژی‌های مسلّط مردانگی و زنانگی را نیز در همین نظام می‌آموزند » (Abbott, Pamela and Clare Wallace, 2011) نخستین تلاش‌ها برای رفع این تبعیض بزرگ علیه زنان به جنبش زنان لیبرال بر می‌گردد. به اعتقاد آنان «دختران باید از بخت مساوی برای آموزشی مشابه پسران برخوردار باشند » (Ibid.p 93). آموزش مختلط راهی برای کسب امکانات آموزشی مساوی دو جنس بوده است. از دید جنبش زنان رادیکال در نظام

www.SID.ir

Archive of SID

آموزشی موجود نمی‌توان به برابری دست‌یافت و زنان باید به دنبال دانش و شیوه‌های یادگیری خاص خود باشند تا از مفروضات مردسالاری و بازتولید تفاوت‌های جنسیّتی رهایی یابند.

فرشته در داستان گلی در شوره زار دختر درس‌خوان و باهوشی است. او تنها به یاری معلّمش، امکان ادامه‌ی تحصیل می‌یابد (Sameni, 1999). طرح این موارد مؤیّد درک خانم ثامنی از دردهای زنان اجتماع ماست؛ امّا راه‌حل‌های مدّنظر او باور پذیر و منطقی نمی‌نماید. او گشودن تمامی گره‌های ناشی از فقر، بی سوادی و بی‌فرهنگی را به دست تقدیر یا به تعبیر خود نویسنده، به حضور « پسری جذّاب، پولدار و تحصیل‌کرده» می‌سپارد که در چهارچوب ساختار منطقی داستان اغراق‌آمیز جلوه می‌کند و از این جهت راه حلّی متفاوت با دیدگاه‌های فمینیستی ارائه می‌دهد (Sameni, 1999).

ت-۴- بی‌توجهی به سلامت زنان

دررمان گلی در شوره زار، نویسنده نکته‌ای بسیار مهم را در زمینه‌ی زندگی زنان محروم مطرح می‌کند. زنانی که وظایف دشوار زندگی را به دوش می‌کشند، به دلیل وابستگی‌های اقتصادی به همسران و بی توجهی آنان، از سلامت جسمانی بی‌بهره‌اند. (Sameni, 1999) در رمان بامدادخمار، مرگ زنان در اثر زایمان، امری طبیعی و بدیهی شمرده می‌شود. بسیاری از شخصیّت‌های زن از جمله اشرف السّادات و عروس عطاء الدوله هنگام زایمان می‌میرند و ترس از مرگ همواره در زندگی زنان باردار مشاهده می‌شود. (Haj Seyyed Javadi, 1997) یکی از اهداف مهم جنبش‌های زنان، ارتقای بهداشت و تندرستی زنان است. سلامت از دید سازمان بهداشت جهانی عبارت است از داشتن سطح بهینه‌ی سلامت جسمانی، روانی، اقتصادی و اجتماعی. زنان به دلیل ایفای نقش‌های مادری و همسری و در مواردی کار بیرون از منزل در کنار خانه‌داری، هم‌چنین ویژگی‌های زیست‌شناسی بیشتر در معرض ابتلا به بیماری قرار می‌گیرند، به طوری که میزان مرگ و میر زنان در حال افزایش است (Khosravi and others., 2003).

بی‌توجّهی به سلامت زنان نیز یکی از اشکال خشونت علیه زنان است. جنبش زنان لیبرال این امر را از جایگاه فرودست زنان در اجتماع و نابرابری متأثر می‌دانند. در حالی که جنبش زنان موج دوّم به خصوص رادیکال‌ها به نظریه‌ی ستم‌گری جنسیّتی معتقدند. آنان تبیین نابرابری را صحیح امّا ناکافی می‌دانند. نظریه‌ی ستم‌گری «زنان را تحت ستم، تابعیّت، تحمیل، سوءاستفاده و بدرفتاری

www.SID.ir

Archive of SID

مردان» می‌داند و معتقد است با همیاری مردان نمی‌توان بر این مشکل فائق‌آمد (Zibaeenejad, 2003).

۶– نتیجه

تحلیل نقش زنان در سطح ساختاری نشان می‌دهد که تعداد کلّ شخصیّت‌ها در رمان *بامدادخمار* بیشتر از بقیه‌ی آثار است. هم‌چنین زنان، قهرمان اغلب این آثار هستند. برخلاف تصوّر، تعداد شخصیّت‌های زن در همه‌ی موارد بیشتر از مردان نیست. توصیف شخصیّت‌های زن، سطحی و اغلب فاقد نمایش جزئیّات درونی است.

شخصیّت‌های زن در آثار پیشگفته بر اساس معیار اخلاقی و مطلق بینی خوبی و بدی، به دوگروه عمده‌ی سیاه و سپید تقسیم می‌شوند. ازجنبه‌ی اقتصادی در اغلب آثار در سطح شخصیّت‌های اصلی، زنان به دو گروه مرفّه و محروم تقسیم می‌شوند. در مواردی معدود زنان قشر متوسّط جامعه مطرح‌می‌شوند.

نقش زنان یا جلوه‌های حضور زنان در آثار پیشگفته در دو مقوله‌ی جنسی با تأکید بر فیزیک و جسم زنانه و جنسیّتی بر اساس نقش‌های فراجنسی طبقه بندی شده است. نقش جنسی زنان در موارد زیبایی‌گرایی، غلبه بر ضعف‌های زنانه، انعکاس مشکلات نقش مادری و طرح حقّ کنترل باروری و نقش جنسیّتی در محورهای اقتصادی و فرهنگی با طرح مباحث متعدّد بررسی شد. زنان در معدودی از این آثار و در پاره‌ای نقش‌ها، ازصورت منفعل و از پیش‌تعیین‌شده به شکلی فعّال و تغییر یافته در حال حرکتند. توصیف وضعیّت زنان و نقش‌های متنوّع آنان، نوعی آگاهی از شرایط موجود زنان را در اغلب موارد نشان می‌دهد و در مواردی اندک، انتقاد از آن و تمایل به تغییر یا ضرورت تحوّل با ارائه‌ی راهکارهای سطحی و اتّفاقی را نشان می‌دهد. یافته‌های گسترده‌ی نقش زنان در پاره‌ای موارد، از جهت اعتدال و میانه‌روی با تفکّرات موج اوّل جنبش زنان شباهت دارد، امّا با توجّه به بسترهای اجتماعی و فرهنگی موجود در متن و تفاوت‌های خاصّ برخی نقش‌های زنان که عدم انسجام را در اتّخاذ رویکردی واحد در همه‌ی موضوعات زنانه در کلّ اثر نشان می‌دهد و درمواردی رویکردی غیرفمینیستی دارد، باید به نوعی تفکّر زنانه‌ی ایرانی و به تعبیری بهتر، خودآگاهی لطیف زنانه اشاره کرد که به‌هیچ‌وجه خواستار برابری با مردان در همه‌ی عرصه‌ها نیست، بلکه زندگی مطلوب زنان را با مشارکت مردان و گاهی تغییر در عملکرد و دیدگاه‌های آنان می‌طلبد. این امر در

www.SID.ir

Archive of SID

رمان *بامداد خمار* به شکلی بارزتر مشاهده می‌شود. بر این اساس طرد رمان عامه‌پسند براساس دیدگاه‌های فمینیستی به دلیل عرضه‌ی دیدگاه‌های غیرفمینیستی و نامطلوب برای زنان توصیه نمی‌شود؛ چراکه تفکّر زنانه‌ی ایرانی، منطبق با ساختارهای فرهنگی جامعه و نیازهای کنونی زنان در سطح آثار عامه‌پسند منعکس شده است.

پی‌نوشت:

خلاصه‌ی حوادث رمان‌های مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر است:

بانوی جنگل کلیشه‌ی عاشقانه‌ای است که در آن هدیه، دختر زیبا و مهربان یک خانواده‌ی متوسّط، پس از حضور در خانه‌ی اشرافی عمّه‌اش، مورد توجه فرهاد، پسر عمّه‌ی خود قرار می‌گیرد. هدیه نیز به فرهاد دل می‌بندد و سرانجام با رسوایی رقیبش، دو دلداده به وصال هم می‌رسند.

درتاوان عشق، دختر زیبا و مرفّهی به نام ساده، نادیده، شیفته‌ی نویسنده‌ای می‌شود و به عنوان مستخدم به خانه‌ی این مرد میانه سال منزوی راه می‌یابد. از سوی دیگر ساده مورد توجه پسری ثروتمند به نام ساموئل است. جدال ساده و ساموئل و اتفاقات ناشی از آن و تلاش دختر برای نفوذ به درون نویسنده، با مرگ ساموئل و ازدواج ساده با استاد پایان می‌یابد.

باور آفتاب، روایت فراز و نشیب‌هایی است که بر سر راه زندگی ملیکا، دختر شهری و زکریّا، پسر روستایی شیفته‌ی او رخ می‌دهد و سرانجام پس از ازدواج ناموفّق ملیکا و هم‌چنین ترقی و ازدواج ناکام زکریّا، به وصال این دو ختم می‌شود.

گلی در شوره زار، به زندگی دختری زیبا و خوش طینت، امّا اسیر ستم پدری معتاد و برادری نامهربان می‌پردازد که مورد توجه پسری جذّاب و ثروتمند به نام منوچهر قرار می‌گیرد و به واسطه‌ی ازدواج با او از زندگی دشوار خود نجات می‌یابد.

دنیای پر امید روایت رنج‌ها و دشواری‌های زندگی یک مبارز سیاسی به نام علی و خانواده‌اش است و در زوایای روایت به ماجراهای عاشقانه‌ی او و دختر خاله‌اش پرداخته می‌شود. با پیروزی انقلاب اسلامی، علی که دو پسرش را در راه آرمان‌های انقلاب از دست داده‌است، مسئولیّت تربیت نوه‌اش را برعهده می‌گیرد.

در رمان بامداد خمار، محبوبه از طبقه‌ی اعیان و اشراف، عاشق رحیم نجّار می‌شود و برخلاف مخالفت‌های شدید خانواده با او ازدواج‌می‌کند. عشق آتشین وی به رحیم نجّار، پس از هفت سال

www.SID.ir

Archive of SID

زندگی مشترک به طلاق و جدایی می‌انجامد. مرگ دردناک پسر کوچکش و ناباروری ابدی، ثمره‌ی این عشق است. در پایان ازدواج عاقلانه‌ی وی با پسرعمویش، مرهمی بر زخم‌های عمیق او می‌گذارد.

References:

–Abbot, Pamela and Clervalla. (2011). Women's Sociology.(Manijeh Najm Iraqi). Seventh. Tehran: Nashre ney.

–Ali Ahmadi, Omid. (2007). Consumption of Iranian Literary Literature. Tehran: Research, Culture, Arts and Communication.

–Ansari Zadeh, Morteza.(2012). The popular Iranian novel. Culture and Communication, Years 4, 6 and 7, pp. 141-170.

–Attarzadeh, Mojtaba. (2008). A Comparative Study of the Concept of Gender in Islam and the West. Faslname Shoraye Farhangi Ejtemai Zanan, n. 22, pp. 43-78.

–Bagheri, Khosrow .(2003). The Philosophical Foundations of Feminism.Tehran: Ministry of Science, Research and Technology: Office of Social Planning and Cultural Studies.

–Bishop, Leonard.(2004). Lessons on story writing. Mohsen Soleimani. Tehran: Soure Publication.

–_____ (1994). Donyaye Por Omid. Tehran: Ketab.

–Farahmand, Maryam / Amen Bakhtiari. (2007). Feminist Marriage Manners. Tehran: Andisheh Club.

–Fattahi, Zakiyeh (2016).Ibn Arabi's and Molavi's common look about the true status of women in creation. Zan va Jameae, Vol. 5, No. 2, pp. 85- 104.

–Friedman, Jane .(2004). Feminism. Firoozeh Mohajer.Tehran: Aishan.

–Javadi Yeganeh and Ashieh Aramami. (2011). The Quality of Reading of Popular Love by Women. Zan dar Farhang va Honar, Period 2, n. 4, pp. 5-24.

–Hakimpour, Mohammad. (2003). Women's Rights in the Controversy of Tradition and Modernity. Tehran: Noghma Nawandish.

–Khosravi, Zohre and Others. (2003). Psychological Foundations of Gender. Tehran: Ministry of Science, Research and Technology, Office of Social Planning and Cultural Studies.

–Kianpour, Mahmood / Zohreh Najafi. (2012). Investigating the Rate and Causes of Attitudes toward the Novel. Pajoohesh Adabiyate moasere jahan, Period 17,n. 2, pp. 145- 165.

–Kulentai, Alexander and others. (2002). Women and Class Controversy in Society. Collected Articles of Women in Society, Asghar Mehdizadegan, Tehran: Look.

–Laughey,Dan.(2007). Key themes In Media Theory. New York: Mcgraw Hill.

–Michel Andre. (2004), Women's Movement. Homa Zanjanizadeh, Mashhad: Nika.

www.SID.ir

Archive of SID

–Mir Abedini, Hassan (1998). Hundred Years of Iranian Writing. Tehran: Cheshme.

–Mir Fakhraei, Teja. (2005). Popular Iranian novels: Women's Adaptation. Faslname Anjomane Iraniye Motaleaate Farhangi va Ertebatat, n. 4, pp. 197-222.

–Mir Sadeghi, Jamal. (1997). Fiction Literature. Tehran: Elmi.

–Mohammadi Asl, Abbas .(2007). Gender and Neo-Feminist Perspectives. Tehran: Nashre Elm.

–Moshirzadeh, Homeira. (2003). From Movement to Social Theory: The History of Two Centuries of Feminism. Tehran.Shiraze.

–Mukhtarnameh, Azadeh and ZarrinTaj varedi. (2016). Examining the Evidence of the Social Status of Women in Selected Texts of Persian Literature. Zan va Jameae, 7, pp. 1, pp. 101-121.

–Najafzadeh, Mohammad Bagher. (1996). Women storywriter in Iran, Mazandaran: Roja.

–Nikkhah Ghamsari, Narges .(2005). Evolution of Attitudes toward Women and Its Influence in Islamic Revolution. Tehran: Imam Khomeini Research Center and Islamic Revolution.

–Payande, Hussein.(2003). Discourse Review. Tehran: Ruzegar.

–Rahimi, Fahimeh .(2010). Belief in the sun. Tehran: Chakhame.

–_____. (2009). Tribute to Love.Tehran: Pegah / Manshaa Danesh.

–_____.(2009). Lady of the Forest. Tehran: Pegah / Manshaa Danesh.

–RafatJah, Maryam. (2008). Reflections on the Identity of Iranian Women. Tehran: Tehran University Press.

–Reed, olin.(2002). Class Analysis of Women or the Oppressed Sex. Collected Articles of Women in Society, Asghar Mahdizadegan, Tehran: Negah.

–Rezvianian, Ghodsieh and Haleh Kiani Barroso. (2015). The Representation of Woman's Identity in the Works of Women Writers in the Eighties. Adabpajohi, n 1, pp. 63-63.

–Rezvani, Mohsen. (2005). End of Sex. Tehran: Andisheh Bashgahe.

–Rousso, Jean-Jac. (1970). Emile or Education. Translated by Manouchehr Kia, Tehran: Ganjine.

–Safaee, Ali and Kobra Mozafari. (2009). A Descriptive, Analytical and Critical Review of Iranian Popular Novels. Adabpajoohi, n. 10, pp. 109- 136).

–Sameni, Nasrin. (1999). Goli dar Shurezar. Tehran: Pariya.

–Sarafras, Hossein. (2009). A Reading of the Discourse of Islamic Feminism. Mahname Ettelaate Hekmat va Maarefat, 37, pp. 34-38)

–Selden, Raman / Peter Weidoson. (2005). Contemporary Literary Guide. Translation by Abbas Mokhber. Tehran: Tarheno.

–Shamisa, Sirous. (2001). Literary Criticism. Tehran: Ferdows.

www.SID.ir

Archive of SID

–Story, John. (2004). Popular Stories. translated by Hossein Payandeh, Organun, n. 25, pp. 1- 43.

–Story, John.(2007). Cultural Studies on Popular Culture. Translated by Hossein Payandeh, Tehran: Agah.

–Westwood, Sally. (2007). Household Workers: Collections of Feminism and Views. Tehran: Roshangaran va Motaleate Zanan

–Zaimaran, Mohammad. (2001). Women's Discourse: A Revolution in the Love and Transformation of Philosophical Thoughts at the End of the Second World War.Tehran: Hermes.

–Zibayinejad, Mohammad Reza.(2003). Revenues on Feminism. Collections of Feminism and Feminist Knowledge, Qom: Office of Women's Studies and Research. PP 11-33.

www.SID.ir